

چرا کودکان کار ساماندهی نمی شوند؟

در شرایط فعلی چند دستگاه برنامه ریزی و حمایتی دولتی مثل وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام، سازمان اموراجتماعی کشور، شهرداری ها و تشکل ها و موسسه های مردم نهاد و خیریه ها هر یک طرح و برنامه هایی را در حوزه ساماندهی کودکان کار و خیابانی به اجرا می گذارند و خدماتی ارائه می دهند.

به گزارش سایت خبری پرسون، نبی اله عشقی ثانی فعال اجتماعی در یادداشتی نوشت: سال هاست مردم کودکانی را می بینند که در خیابان ها زیر پوشش دستفروشی کلایبی کم ارزش یا با تمیز کردن شیشه اتومبیل ها تکدی گری می کنند یا سر در سطل های زباله به دنبال یافتن مواد خوراکی یا چیزی برای فروش می گردند در حالی که باید به عنوان دانش آموز به مدرسه بروند و سرکلاس درس باشند و در اجرای قانون اساسی باید به طور رایگان تحصیل کنند.

برابر تعریف یونسف هر فرد زیر ۱۸سال را کودک می گویند و خانواده و دولت ها مکلفند امکانات لازم برای مراقبت، حمایت و تحصیل آنان فراهم کنند و چنانچه مرتکب خلافی شدند در چارچوب قانون ویژه کودکان با آنان رفتار شود. مطابق ماده واحده قانون تشکیل سازمان بهزیستی کشور و قوانین تکمیلی دیگر کودکان رها شده و بی سرپرست باید تحت پوشش حمایت های قانونی بهزیستی قرار گیرند و برای نگهداری، مراقبت، حمایت از این کودکان تا رسیدن به سن قانونی و توانمندی آنان هر اقدام ضروری برای آنان انجام شود.

اگرچه در اجرای قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و قوانین حمایتی دیگر حدود بیست هزار کودک رها شده در شیرخوارگاه ها و خانه های مخصوص کودکان و نوجوانان مربوط به بهزیستی تحت مراقبت و تعلیم و تربیت قرار دارند یا برای برخورداری از حمایت های لازم به زوجینی که صاحب فرزند نمی شوند به عنوان فرزندخوانده یا به بستگان و افراد داوطلب سپرده شده اند با این وجود به طور مستمر با کودکان خیابانی و کار مواجه هستیم که هم آسیب می بینند هم منشا توسعه آسیب های اجتماعی هستند و ممکن است در آینده وارد بزهکاری شوند.

برخی از مسئولان اعلام کرده اند که بیشتر این کودکان فرزندان اتباع غیرایرانی هستند که به طریقی به کشور ما مهاجرت کرده اند. چند سال قبل برای ساماندهی کودکان خیابانی و کار تصمیماتی گرفته شد و مقرراتی وضع شد سازمان بهزیستی، شهرداری ها، نیروی انتظامی و قوه قضائیه مأموریت پیدا کردند تا با یک همکاری مشترک و تقسیم کار این کودکان جمع آوری، تحت حمایت و مراقبت قرار گیرند.

فرزندان اتباع سایر کشورها به کشورشان بازگردانده شوند و کودکان ایرانی که دارای والدین هستند به خانواده شان تحویل گردند. همچنین مراکز برای نگهداری، مراقبت، آموزش، حرفه آموزی و توانمندسازی آنان ایجاد گردد و کودکانی که احتمالاً مرتکب بزه ای شده اند به کانون های اصلاح و تربیت سپرده شوند.

اگر چه یقیناً از آن زمان تاکنون سلسله اقداماتی انجام شده است که در جای خود مفید بوده است اما به دلیل نا تمام ماندن این فعالیت ها، عدم همکاری برخی از دستگاه های مسئول، کمبود منابع یا عدم مسئولیت پذیری کافی برخی دیگر باز با کودکان بسیاری مواجه هستیم که در خیابان ها زندگی می کنند و به چرخه آسیب های اجتماعی وارد می شوند این وضعیت در شرایط واقع شده که برخی از موسسه های مردم نهاد، خیریه ها و انجمن های حامی و دوستدار کودک نیز در این مسیر اقدامات بسیار خوبی انجام داده اند و می دهند.

اگر چه گفته شده برخی از این کودکان ممکن است به دلیل ضعف فرهنگی، بیسوادی والدین، ناتوانی در تامین هزینه های زندگی با وجودگرانی، افزایش قیمت ها و فقر شدید توسط والدینشان برای تکدی گری به باندهای بزهکاری اجاره داده شوند. البته همه این موارد نیازمند یک تحقیق و بررسی جامع است تا بتوان برای مقابله با آن یک برنامه همه جانبه نگر تدوین کرد.

در شرایط فعلی چند دستگاه برنامه ریزی و حمایتی دولتی مثل وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام، سازمان اموراجتماعی کشور، شهرداری ها و تشکل ها و موسسه های مردم نهاد و خیریه ها هر یک طرح و برنامه هایی را در حوزه ساماندهی کودکان کار و خیابانی به اجرا می گذارند و خدماتی ارائه می دهند لیکن باز امر ساماندهی منجر به نتیجه مطلوبی نشده است. به نظر می رسد راه برون رفت از این مشکل نگاه ملی به این معضل آسیب رسان به کشور است تا برای جلوگیری از پراکندگی اقدامات و موازی کاری و اجرای طرح های ناتمام و اقدامات خرد با وحدت رویه و جمع همه امکانات و تامین منابع کافی و دعوت از فرهیختگان اجتماعی و کارشناسان خبره و نهادهای مدنی و به دور از بخشی نگری برای ساماندهی واقعی و پایدار کودکان خیابانی یک طرح ملی تدوین و به اجرا گذاشته شود.